



یاسر قزوینی، استاد گروه مطالعات عراق دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ضعف، داعش را ناچار به تغییر راهبرد کرده است

با تولد دوباره داعش و اینکه هسته‌های خاموش آن فعال شدند، به نظر می‌رسد به این زودی‌ها ریشه گروه‌های تروریستی در منطقه زده نخواهد شد. آیا داعش و تفکرات افراطی در این کشور باقی می‌ماند؟

مسئله سر این است که آیا این تفکرات تفکراتی است که امروزه ساخته شده است یا تفکراتی است که از صدر اسلام بوده است؟ اهل سنت داعش را بهتر می‌شناسند و از آنها تحت‌عنوان خوارج و خوارج عصر یاد می‌کنند. البته خودشان چنین چیزی را قبول ندارند که خوارج هستند ولی عملکردشان در صدر اسلام را ببینید، همان چیزی است که خوارج انجام می‌دادند. مرحوم شهیدمطهری در کتاب جاذبه و دافعه علی(ع) یک فصلی به اسم جاذبه خوارج دارد. آن جاذبه خوارج، همین جاذبه‌ای است که داعش دارد. بحث اصلی به قول خودشان جنگ «حرب العقول» یا همان جنگ خردهاست. این جنگ تا زمانی که محرومیت و مسائلی که امکان دارد به جذب افراد مختلف به داعش کمک کند، همچنان وجود خواهد داشت. این مساله به نظر خیلی ریشه‌دارتر از این حرفاست و چیزی نیست که به این راحتی بشود آن را ریشه کن کرد. در دوره بنی‌امیه چون بنی‌امیه نمی‌خواستند با خوارج به دلیل اینکه آنها نیروهای عقیدتی بسیار سرسختی بودند، بجنگند، شیعیان را تحریک می‌کردند و آنها را در مقابل خوارج قرار می‌دادند و با این کار به اهداف خودشان می‌رسیدند و هم شیعیان و هم خوارج را تضعیف می‌کردند و هم خودشان سالم می‌ماندند و به اهدافشان می‌رسیدند. اگر نگاه داعشی سلفی باشد، نگاه سلفی همواره در دوره‌هایی که اهل سنت دچار نگرانی از وضعیت اسلام برآمدن این تیمیه و محمدبن عبدالوهاب را ببینید. همه اینها در دوره‌ای است که جهان اهل سنت دچار نگرانی شده از اینکه مذهبش دچار فروپاشی شود. این مساله جدید آمدن آمریکایی‌ها به عراق هم می‌تواند برای آنها نگران‌کننده باشد. این مسائل ریشه‌دار و بیشتر مسائل فکری است و البته رسانه و بحث‌های عاطفی به این کمک می‌کند که همچنان گاهی زیر خاکستر باقی بماند.

اگر عراق به ثبات نسبی حداقل از نظر سیاسی برسد و این خلأ پر شود، آیا داعش تضعیف خواهد شد یا احتمال تکرار پیروزی‌های سال ۲۰۱۴ در آن وجود دارد تا دوباره احیا شود.

اگر ثبات در عراق شکل بگیرد و فساد از بین برود، وضع متفاوت می‌شود. شیوه سه‌پم‌بندی که در عراق هست، باعث می‌شود که همواره در عراق مشکل داشته باشیم. الان می‌بینیم می‌گویند «داعش الدوله» یا «داعش‌الایرمان» بالاخره در همان دوره داعش، حضور داعش راه هر کسی به گردن دیگری می‌انداخت و خود همین نگاه‌های تئوری توطئه به دلیل اینکه به صورت حرفه‌ای و علمی با مساله برخورد نمی‌کرد، باعث ادامه مساله خواهد شد. اگر ثبات به وجود بیاید، دولت متمرکز و قوی به وجود بیاید، خیلی از مشکلات حل می‌شود. داعش هم روی اختلافات کار می‌کند، یعنی اساسا یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های آنها ایجاد اختلاف بین رقبایشان است. اگر یک دولت متمرکز و محکمی شکل بگیرد و نیروهای امنیتی متمرکز و مشخص باشد چه کسی را باید در مورد مسائل مختلف مورد بازخواست قرار دهد، می‌تواند داعش را تضعیف کند. اگر مسائل مختلف از جمله بیکاری که امروز در عراق بیداد می‌کند حل شود، به عراق در مبارزه کمک می‌کند.

مساله‌ای که در عراق رخ داد و داعش قوت گرفت به خاطر عمق استراتژیکی بود که در سوریه شکل گرفت؛ یعنی یک عمقی در سوریه شکل گرفت که باعث شد داعش قوی‌تر از قبل به سمت عراق برگردد و آن مسائل را شکل بدهد. هرچه منطقه به یک ثباتی قرار بگیرد، مطمئنا داعش تضعیف می‌شود. البته باید به مسائل هویتی در عراق هم توجه کرد. امروز مساله دولت-ملت با چالش مهمی مواجه شده است. اینکه شما بتوانید یک دولت متمرکز داشته باشید، مهم است. به‌ویژه اینکه در مورد عراق بالاخره شما با کردها قرار است چه کار کنید؟ آیا شما هنوز می‌خواهید فدرال باشید؟ آیا می‌خواهید تمرکز را بیشتر کنید؟ این چالش‌هایی است که یک بخشش فکری و هویتی است و یک بخش‌هایی هم عملی و سیاسی و درون صحنه است.

سال‌ها قبل یکی از وزرای بوش می‌گفت عراق به اسفنجی برای جذب تروریست‌ها از سراسر جهان تبدیل شده است.



کسی که کاملا می‌تواند بانگاه آمریکا به‌ویژه در مذاکرات آتی ژوئن درباره عراق همراه باشد، باید به قدرت برسد. با این تفاسیر به نظر نمی‌رسد حضور آمریکا در عراق با چالش جدی مواجه باشد که بخواهند این گونه آن را رفع و رجوع کنند. درست است که پارلمان درخواست خروج نیروهای آمریکایی را داده است و نیروهای آمریکایی هم خیلی راحت می‌توانند با کم کردن حضور خودشان به آن عمل کنند که این کار را هم در هفته‌های اخیر کردند چون آنها فعلا به آن حجم نیرو احتیاج ندارند. گزارش‌های مختلف درباره راهبرد آمریکا در عراق منتشر شده است. گروه آینده عراق به رهبری کروک سفیر اسبق آمریکا در عراق و برخی از گزارش‌های رند، تاکید می‌کنند مادر عراق یک دولت متمرکز، قوی، مشروع و کارآمد می‌خواهیم که آمریکا به به‌عنوان مهم‌ترین هم‌پیمانانش بپذیرد. فکر نمی‌کنم با وجود یا عدم وجود داعش، خیلی خیلی در این ایجاد شود. این هم بگویم که اخیرا فیلمی در رسانه‌ها منتشر شده که گفته می‌شود مربوط به جابه‌جایی نیروهای داعش در عراق توسط آمریکا است. اولاً این فیلم متعلق به دوسال پیش است و اساسا چنین چیزی را نشان نمی‌دهد. ثانیاً اگر به گفت‌وگوی افرادی که در حال سخن گفتن حین دیدن دوربین لبزری هستند، دقت کنید، یکی می‌گوید اینها داعش هستند و دیگری این را به دلیل نظم نیروها رد می‌کند.

این چندمین بار است که در موضوع عراق، رسانه‌ها درگیر خبرسازی‌ها می‌شوند.

داعش در روند نظامی‌اش یک منطقی دارد و بر مبنای همین منطق جلو آمده است. شما چه زمانی سراغ تئوری توطئه می‌روید؟ موقعی که منطق طبیعی عمل نکند. منطق طبیعی کامل عمل می‌کند. بنده دوسه سال پیش می‌گفتم داعش می‌تواند پرگردد اگر دولت ضعف‌شود و قوی‌تر شود، باید بگویم که این استفاده غیرمستقیم است چون اگر مستقیم باشد، در واقع عقیده داعش را از او گرفته‌ای چرا که اونگیزه‌ای کمتر خواهد داشت. البته این طور نیست که انگیزه نداشته باشد. بالاخره بحث‌هایی مثل انتقام است ولی اینکه یک نیروی داعشی آگاهی داشته باشد اینکه با آمریکا همکاری می‌کند، این مطمئنا باعث ترلز در انگیزه او می‌شود و دیگر عملیات انتحاری و مانند آن نمی‌تواند در این قالب شکل بگیرد.

خلا‌سیاسی شکل گرفته در عراق، باعث شد هم آمریکا در این کشور تحرکاتی داشته باشد و هم گروه‌های تروریستی تقویت شوند. برخی می‌گویند تحرکات اخیر داعش ابزاری برای آمریکا شده تا حضورش را در عراق تثبیت کند. عشا‌یر عراق هم در روزهای گذشته مدعی شده‌اند که آمریکا در تقویت داعش و عملیات‌های این گروه‌ها، نقش داشته است.

این مساله را الان زیاد می‌گویند. این موضوع قبلا هم زیاد مطرح می‌شد اما امروز و الان به‌نظر نمی‌آید که داعش و تحرکات داعش خیلی به سود آمریکا باشد چرا که اگر مساله دولت الکلامی باشد، امروز آمریکا در بهترین وضعیت خودش در عراق است. اگر الزرفی یا الکلامی بخواهند دولت تشکیل بدهند، این دو کسانی هستند که بسیار به آمریکا نزدیک هستند. من چند مقاله از سایت رند می‌خواندم و مشخص است که آنها زیاد نیاز به عده زیاد در عراق ندارند و به‌دنبال دسترسی اطلاعاتی بیشتر، تحرکات پهلپادی بیشتر و مانند اینها هستند. یعنی با توجه به تحول جنگ و رفتن به سمت جنگ‌های الکترونیک، آمریکایی‌ها که حضور پرسیاز و برگ‌شان در عراق، از قدرت نرم آنها کم خواهد کرد، دست به کاهش نیرو می‌زنند. به‌نظر می‌رسد این استدلال که آمریکا به‌دنبال تقویت داعش در عراق است تا حضورش را تثبیت کند، به‌نظر من کمی نخوانده شده است. البته شاید این مساله برای آمریکا خوب باشد ولی آن قدری که به آن پرداخته می‌شود، برای آمریکا مهم نیست. اتفاقا واقعت برعکس این است و الان آقای الکلامی به‌عنوان

سوزاندن خانه‌های دشمنان‌شان، سوزاندن مزارع و خراب کردن خانه‌هاست؛ یعنی می‌توانم بگویم بیشتر تمرکزشان روی مسائل امنیتی است. آنها مختاران یعنی کسانی که اطلاعات دقیقی از مناطق دارند و به‌دلیل اینکه رابطه‌ی بین حکومت و مناطق هستند و تحرکات داعش را به‌حاکمیت و نیروهای امنیتی گوشزد می‌کردند، هدف قرار می‌دهند. علاوه‌براین آنها تلاش می‌کنند ارتش و نیروهای نظامی را در حالت آماده‌باش دائم قرار دهند تا این وضعیت موجب تحلیل رفتن نیروهای امنیتی شود. درکنار این وضعیت، آنها چشم‌انتظار بودند تا صحنه عراق وحدت خودش را از دست بدهد و خلأ در آن شکل بگیرد. الان هرچه دولت در عراق دیرتر تشکیل شود، این خلأ بیشتر خواهد شد و روی نیروهای امنیتی هم تاثیر می‌گذارد. به‌ویژه اینکه در هفته‌های اخیر اختلاف شدید بین نیروهای حشدالشعبی به‌عنوان یکی از نیروهای مهم مقابله با داعش، بالاگرفت. هرچه این اختلافات بیشتر باشد و خلأهای سیاسی و امنیتی، مزمن و طولانی‌مدت شود، کمک می‌کند به اینکه داعش قدرت بیشتری بگیرد.

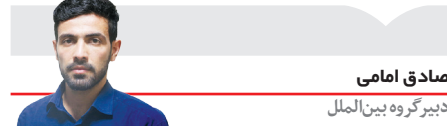
گفته می‌شد به دلیل نابودی ساختار اداره داعش، این گروه امکان عملیات بزرگ و تصرف شهر را ندارد. تحولات اخیر این مساله را تقضی نمی‌کند؟ یا این اصل ثابت است که داعش آن توان سابق را نخواهد داشت که بتواند عملیات بزرگی را هدایت و راهبری کند.

داعش هزینه‌فایده می‌کند. او یک نیروی نظامی است که بی‌گدار به‌آب نمی‌زند. شما در عراق و سوریه می‌بینید که عملیات‌های انتحاری به‌شدت کم شده است. در کرکوک پس از چندین ماه، یک عملیات انتحاری در هفته گذشته اتفاق افتاد. چرا؟ به‌دلیل اینکه داعش راهبرد و استراتژی‌اش را تغییر داده است. الان زمان مثل گذشته نیست که آنها نیروی فراوانی داشته باشند. نیروهایشان به‌شدت محدود است و آنها نمی‌توانند نیروهایشان را از دست بدهند. به‌همین دلیل، حفظ جان یکی از مهم‌ترین راهبردهایشان در دوره جدید است. آنها در دوره جدید باید بروند، بجنگند و برگردند. در دوره قبل ما چنین چیزی از داعش ندیدیم و حفظ جان برای آنها در اولویت نبود.

این نشان می‌دهد که آنها ضعیف شدند و قبول دارند که ضعیف شدند، ولی بر مبنای ضعف خودشان برنامه‌ریزی می‌کنند و در مناطق خودشان و نزدیک به خودشان که اختیارات بیشتری دارند، دست به عملیات می‌زنند. آنها بی‌گدار به‌آب نمی‌زنند که بخواهند عملیات بزرگ در شهرهای بزرگ انجام دهند. این راهبرد با آنچه آنها در اروپا تحت‌عنوان «گرگ تنها» گفته می‌شود، تفاوت دارد. بحث مادر در عراق است و در این محدوده به بررسی استراتژی داعش می‌پردازیم. در عراق در دو سال اخیر عملیات انتحاری خیلی کمتر شده است. به‌عنوان مثال حجم عملیات انتحاری در دوسال ونیم گذشته از یک ماهی که داعش در موصل در برابر نیروهای دولتی مقاومت می‌کرد، بسیار کمتر است. مجموع این شرایط نشان می‌دهد که آنها در وضعیت ضعف قرار دارند و براساس آن راهبردهای‌شان را تعریف می‌کنند.

بخشی از دلیل تغییر رویه داعش، به دلیل تضعیف توان عملیاتی و لجستیکی آن است. آیا این محدودیت‌ها باعث نمی‌شود آنچه در طالبان و القاعده رخ داد در داعش هم رخ بدهد و آنها تبدیل به یک نیروی افراطی تضعیف شده شوند؟

باید درکنار ضعف‌های داعش، به ضربه‌ای که داعش به‌دلیل کشته شدن خلیفه و سخنگو و بسیاری از نیروهای اصلی خورد هم اشاره شود. این وضعیت آنها را تضعیف کرده است، اما گفتمان داعش، مزیت نسبی داعش در نسبت گروه‌های دیگر افراطی، گفتمانی است که اساسا همواره منتقد جریان دیگر است. در همین بحث طالبان و القاعده کارهای خیلی جدی انجام دادند، برای اینکه نشان دهند که طالبان با



مداد امامی دبیر گروه بین‌الملل

در ماه‌های اخیر اخبار عراق همیشه در راس اخبار منطقه و حتی جهان بوده است. حالا از هفته گذشته داعش به صدر اخبارهای منتشر شده از این کشور آمده است. حمله اواخر هفته گذشته داعش به نیروهای حشدالشعبی که منجر به شهادت و زخمی شدن ده‌ها تن شد، زنگ خطر دیگری را در عراق به صدا درآورده که بسامد بلندتری نسبت به دیگر مسائل دارد. با این وجود موضوعات در عراق قابل تفکیک از یکدیگر نیستند، بلکه در سیستمی مشخص بر روی یکدیگر تاثیر می‌گذارند. افزایش حملات داعش بی‌ارتباط با مسائلی همانند حضور آمریکا در عراق، تشکیل کابینه، اختلافات قومی-مذهبی، اختلافات درون حشدالشعبی و حتی شکاف‌های داخلی میان فراکسیون‌های پارلمانی نیست. نقطه پیچیدگی این قضیه در نحوه مرتبط کردن و دسته‌بندی اتفاقات، با خواسته‌های جریان‌ها و ارتباطات داخلی و خارجی آنهاست. عراق گرچه هفته جاری را با حمله داعش آغاز کرده، اما در پایان آن باید تکلیف کابینه دولت را مشخص کند. پارلمان این کشور قرار است روز چهارشنبه شاهد برگزاری جلسه رای اعتماد به دولت مصطفی الکاظمی نخست‌وزیر مکتف باشد. گفته می‌شود با فراخوان رئیس پارلمان به نمایندگان برای حضور در جلسه رای اعتماد تا روز سه‌شنبه ۲۰۰ تن از کل ۳۲۹ نماینده به بغداد آمده‌اند.

«محمد الحلوسی»، رئیس پارلمان همچنین در مصاحبه‌ای با شبکه «الشرقیه»، گفته است کابینه «مصطفی الکاظمی» باید تشکیل شود زیرا عراق دیگر نمی‌تواند پیش از این تعطیلی و فعالیت دولتی با اختیارات محدود را تحمل کند. از سوی دیگر نامه‌ای از سفیر آمریکا به دست نمایندگان رسیده که نشان می‌دهد آمریکا تمایل به شکل‌گیری دولت الکاظمی در عراق دارد. در میان روزهای پرخطر و خطر عراق، با یاسر قزوینی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدرس گروه مطالعات عراق این دانشگاه درباره داعش و تحرکات اخیر این گروه‌ها گفت‌وگو کرده‌ایم. قزوینی از تغییر در استراتژی و راهبرد داعش و اینکه حضور مجدد این گروه‌ها اتفاق غیرمنتظره‌ای نبوده‌ و از قبل مشخص بود داعش در کوه‌های مکحول متمرکز شده است. او می‌گوید که داعش با توجه به ضعف نیروی، ناچار به تغییر راهبرد شده است و برخلاف گذشته، حفظ جان نیروها اکنون در اولویت برای آنها قرار دارد. با تمام شکاف‌های موجود در عراق و چالش دولت-ملت در این کشور، قزوینی معتقد است که داعش امکان بازبایی توان سال ۲۰۱۴ را به دلیل از دست دادن عمق استراتژیکی ندارد و با تشکیل دولت و انسجام در نیروهای نظامی، داعش بیش از این تضعیف خواهد شد. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

با وجود تحرکات اخیر داعش در عراق، رسانه‌های عراقی و مقامات امنیتی، آن را خیلی عجیب نمی‌دانند چرا که این گروه‌ها پیش از این هم عملیات‌های کوچک در مناطق مختلفا اجرا کرده است. در هفته‌های اخیر اما داعش به این تحرکات شدت بخشیده است. داعش در این بازه دچار چه تغییراتی شده که عملیات خود را تشدید کرده است؟ آیا این وضعیت تنها ناشی از خلأ سیاسی در عراق است؟ اعلام شکست و پایان داعش به این معنا بود که این گروه‌ها، نقاط جغرافیایی که دستش بود را از دست داده و از شهرها خارج شده بود. داعش پس از آن، تحرکاتش را به گونه‌ای دیگری دنبال کرد و شکل عملیات‌هایش به همان دوره‌ای برگشت که هنوز بر شهرها تسلط نداشت. الان می‌توانیم بگویم آنها به یک دوره قبیل (دوره پیشاتمکین) بازگشتند و براساس آن، تاکتیک‌ها و راهبردها را اتخاذ کرده و در مورد این راهبردها، نظریه‌پردازی کردند و اسم آن را «حرب الاستنزاف» گذاشتند. آنها ویژگی‌های حرب الاستنزاف را تشریح و اعلام کردند که از این رهگذر تلاش می‌کنند به اهداف‌شان برسند. این راهبرد جدید، در عراق و سوریه معنا پیدا می‌کرد و در سایر کشورها مثل چاد، نیجریه و... به گونه دیگری پیشروی می‌کردند. بازگشت به تاکتیک‌هایی مثل استفاده از بمب‌های کنار جاده‌ای، تحرکات غیرمتمرکز و غیرمترقبه و اینکه تمرکز داعش را در جای خاصی نبینید و هفته‌به‌هفته جایشان را عوض کنند، از تاکتیک‌های حرب الاستنزاف است.

در ماه‌های اخیر بیشترین عملیات و فراوانی عملیات داعش در استان کرکوک و دیاله و تا حدی در صلاح‌الدین و شمال بغداد و منطقه دجله و الانبار اتفاق افتاده است. در کرکوک و دیاله به دلیل نزدیکی به تپه‌های مکحول که محل اختفای داعش است، بیشتر عملیات شده است. داعش در این کوه‌ها هیچ‌وقت شکست نخواهد خورد و به‌همین دلیل این منطقه را به‌عنوان نقطه تمرکز انتخاب کردند و از این کوه‌ها، عملیات‌ها در مناطق مختلف را سامان می‌دهند.

آنها بیشتر استفاده ترکیبی از بمب کنار جاده‌ای و زدو خورد پراننده دارند. در این شیوه، بعد از هدف قرار گرفتن خودروی نظامی، آنها منتظر می‌مانند تا نیروهای کمکی برسند. بعد از رسیدن نیروهای کمکی، به‌وسیله نیروهایی که در کمین قرار دارند، نظامیان را هدف قرار می‌دهند. یک تاکتیک دیگر،